



«خاطره نگاری در تاریخ معاصر ایران با تکیه بر خاطره نویسان دوره محمدرضا شاه پهلوی»

تهمینه رئیس السادات^۱

^۱- نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

ایمیل: ta_rais@yahoo.com

چکیده

در کنار بررسی جریان‌های مختلف تاریخ‌نگاری معاصر، توجه به خاطره و سبک خاطره‌نگاری از جمله مواردی است که می‌تواند در شناخت بیشتر حوادث و رویدادهای تاریخ معاصر، ما را یاری دهد. خاطره‌نگاری، سابقه‌ای طولانی در تاریخ و فرهنگ و ادب ایران دارد و در درک مسایل تاریخ معاصر ایران سهم قابل توجهی را به خود اختصاص داده است. از آن‌جا که در دهه‌ها و سال‌های اخیر، روش‌های گردآوری داده‌های تاریخی، شامل مسایل جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی و روانشناسی شده است، بررسی خاطرات طیف وسیعی از رجال و شخصیت‌های تاریخی نیز می‌تواند در این زمینه قابل تأمل باشد. این نوشتار بر آن است تا جریان خاطره‌نگاری در دوران معاصر را با مطالعه چند نمونه از خاطرات رجال دوران پهلوی دوم مورد توجه قرار دهد و ویژگی‌های این خاطرات، اهداف خاطره‌نویسان و گروه‌های عمده در سبک خاطره‌نویسی شخصیت‌های دوره محمدرضا شاه پهلوی را بررسی کند. این نوشتار به شیوه‌ی پژوهش کتابخانه‌ای انجام شده است.

کلیدواژه‌ها: تاریخ معاصر، خاطره و خاطره‌نگاری، رجال و شخصیت‌ها، کتاب‌های خاطرات، خاطره‌نویسان دوران پهلوی، ویژگی‌ها.

۱- مقدمه

خاطره و خاطره‌نگاری به عنوان یکی از راه‌های شناخت بررسی‌های تاریخی در تاریخ معاصر ایران، همواره در زمره آثار تاریخ شفاهی قرار گرفته است. مورخان معاصر، برای شناخت بهتر حوادث و واقع تاریخی در دوران معاصر ایران از دوران قاجار بدین سو و بخصوص در ارتباط با شناخت بیشتر درباره پهلوی، وضعیت جریان‌های سیاسی و ارتباط و معاشرت رجال و شخصیت‌های سیاسی با درباره، بررسی خاطرات این دوره را در دستور کار خود قرار داده‌اند. در واقع خاطره‌پژوهی در دوران معاصر به عنوان یکی از راهکارهای نگارش تاریخ معاصر، مورد توجه قرار گرفته است. البته مطالب این کتاب‌ها و جهت گیری‌های این خاطره‌نویسان که اغلب از رجال درباری و وابسته به حکومت وقت بودند باید با تأمل سنجیده شوند و با نگاهی احتیاط آمیز مورد استفاده قرار گیرند تا از قابل اعتماد بودن آن‌ها اطمینان حاصل کرد. بسیاری از این خاطره‌نویسان در

نوشتار خود صرفاً به دنبال توجیه اعمال و رفتار خود بوده و انتقاد از دیگران را نشانه رفته‌اند. این افراد نکات منفی و حقایق زندگی سیاسی خود را پنهان کرده‌اند و لزومی به بیان و توضیح آن ندیده‌اند. این مقاله پس از تعریف خاطره و خاطره‌نویسی و ویژگی‌های خاطرات به طور کلی و همچنین مختصر توضیحی درباره انواع خاطرات یعنی شرح حال‌نویسی و اتوبیوگرافی، مبحث خاطره‌نویسی در دوران معاصر را با تکیه بر خاطره‌نویسان رجال پهلوی دوم مورد توجه قرار می‌دهد. باید توجه داشت کتاب‌های خاطرات در دوران مورد بحث بسیار هستند صرفاً مواردی که بیشتر مورد توجه مورخان معاصر بوده‌اند در این نوشتار بررسی می‌شوند. از آن‌جا که کتاب و یا نوشته‌ای به طور مستقل در این بحث در دوران معاصر ارائه نشده، می‌توان سبک خاطره‌نگاری یا خودنوشت‌های دوره پهلوی را به عنوان یکی از روش‌های جدید در شناخت تاریخ‌نگاری معاصر در کنار دیگر انواع تاریخ‌نگاری ناسیونالیستی، تاریخ‌نگاری مارکسیستی و غیره مورد توجه قرار داد.

۲- خاطره و خاطره‌نویسی

خاطره‌نویسی یکی از انواع ادبی و شکلی از نوشتار است که در آن نویسنده، خاطرات خود یعنی صحنه‌ها یا وقایعی که در زندگی‌اش روی داده و در آنها نقش داشته است و یا شاهد آن وقایع بوده است را به تحریر درمی‌آورد. واژه خاطره از کلمه خاطر به معنای ضمیر، اندیشه، خیال، یادبود، یادگار، آنچه به قلب خطور می‌کند و آنچه در دل بگذرد، آمده است (ربیعان، «خاطره‌نویسی»، ۱۳۷۶: ۵۴۳/۲). خاطره، نگارش حوادث و ماجراهایی است که عمدتاً نقش و عملکرد خاطره‌نویسی را در مقطع خاص یا دوران کامل زندگی او نشان می‌دهد. از این جهت آنچه که موضوع اصلی خاطره نگاشته‌ها را در برمی‌گیرد در کاملترین شکل خود شامل بر حوادث و تجاربی است که در گذشته پیش آمده و متعلق به زندگی گذشته بوده است و اکنون، شخص آن را بیان می‌کند و به کار می‌گیرد. خاطره پدیده‌ای دو بعدی است که از پیوند درون آدمی یعنی ذهن و عاطفه، با دنیای برون یعنی زمان، مکان، رویداد و صحنه، پدید می‌آید (کمری، ۱۳۷۳: ۱۴).

استاد یوسفی خاطرات را از نوشته‌ها و یادداشت‌های خواندنی در هر زبان می‌داند که اشخاص در گزارش احوال خود